

وکالت در امور سجلی

ابراهیم خلیل مینافی مقانی

بحث در این است که آیا وکالت مانند سایر امور حقوقی و مدنی از نظر قانونی در امور سجلی و ثبت احوال جایز است یا خیر؟ و مجوز قانونی آن کدام است؟ و چه موارد و موافقی وجود دارد که در آن فردی باید شخصاً حوایج سجلی خود را در مراجع ثبت احوال انجام دهد و اگر موافقی از نظر قانونی مشاهده می‌شود، فلسفه منع و جلوگیری از دخالت وکیل چیست؟ و چرا یک فرد نتواند با وجود گرفتاریهای زندگی امور سجلی خود را بوسیله وکیل انجام ندهد. و چون این مسئله در مورد بخصوصی مبتلا به بود و اختلاف نظری هم برای قبول وکالت در یکی از مراجع ثبت احوال پیش آمد، خواستم برای روشن شدن این موضوع نظریات خود را تا حدی که امکان داشت، در معرض توجه علاقه‌مندان قرار دهم:

قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب دوم اردیبهشت ماه ۱۳۱۹ را که مطالعه می‌کنیم، مطلقاً در دخالت و وکالت وکیل در امور سجلی قواعدی ندارد و هیچگونه اشاره صریح یا ضمنی در این مورد با وجود ضرورتی که داشته،

ندارد. جای تعجب است که چنین امر ضرور و لازمی را اثباتاً یا نفیاً طرف توجه قرار نداده‌اند و حال آنکه با عنایت باین واقمیت که قانون ثبت احوال در تمام مقرراتش از اصل تسهیل دور نبوده، بلکه مد نظر واضعین آن بوده و برای اجرای سهل آن تمام مقررات را با امکانات زمانی و مکانی منطبق نموده، جا داشت که بامور وکالت و دخالت و کیل درخواست‌های سجلی اشخاص توجه صریح و روشن می‌شد. حال این بی‌عنایتی دارای چه علل و موجباتی بوده که بصورت قانونی نیامده، در اینجا مورد بحث نیست. بنظر اینجانب چنین نقص چشمگیری یکی از نواقص مسلم قانون ثبت احوال است و هرگاه تجدید نظری بعمل آید، بوجه احسن و مطلوبی نیاز عمومی را از جمیع جهات تأمین و برآورده خواهد ساخت.

اما از قانون ثبت احوال که بگذریم، در ماده ۱۴ آیین‌نامه آن مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ چنین مقرر است: «در مواردی که قانون ثبت احوال اجازه می‌دهد، ممکن است بوسیله وکالتنامه مسلم واقعه را به ثبت رسانید.» و این اظهار نظری است که برای دخالت و کیل در امور سجلی وجود دارد که هر فردی در صورت لزوم می‌تواند بوسیله وکیل این قسمت از احوال خود را که منحصرأ ثبت واقعه توصیف شده، انجام دهد. و لیکن اشکال این قاعده در این است که قانون ثبت احوال راجع بامر وکالت همین‌طور که در بالا اشاره شد، ساکت محض است و معلوم نیست که با عدم مجوز قانونی که مقررات آیین‌نامه استفاده از آنرا منوط به اجازه قانون اعلام نموده، تکلیف مأمور عمل و اجرا چه می‌شود! وانگهی واقعه چیست؟

واقعه را ماده اول قانون ثبت احوال بدون اینکه تعریف کند، مشخص می‌نماید: «در هر محل وقایع چهارگانه تولد، ازدواج، طلاق، وفات باید در دفاتر ثبت احوال طبق این قانون ثبت شود.» بنابراین چهار واقعه مزبور را می‌توان مشمول انجام دادن ثبت بوسیله وکیل و وکالتنامه مسلم دانست. در موضوع مجوز قانونی مندرج در ماده ۱۴ که قانون ثبت احوال می‌بایست

در بر می‌داشت ، بنظر اینجانب - ولو اینکه قانون ثبت احوال در سکوت مطلق است - از آنجا که ماده ۴۵ قانون ثبت احوال اجازه تصویب آیین‌نامه قانون مزبور را بوزارت کشور اعطا نموده و این وزارت هم همچون حقی را برای صاحبان وقایع پیش‌بینی کرده ، دیگر نباید در جستجوی مجوز جدیدی بود که امر وکالت بصورت قانونی در آید ؛ زیرا در حال حاضر قانون ثبت احوال و آیین‌نامه آن هر دو از نظر حکم قانونی بموازات یکدیگر معتبرند. لذا نتیجه اینست که قاعده حاصل از ماده ۱۴ آیین‌نامه برای مجریان قانون و مراجعان امور سجلی در حکم مجوز قانونی است و وقایع چهارگانه را می‌توان بوسیله وکالت‌نامه مسلم مثبت رسانید ، خواه همچون وکالتی در دفاتر اسناد رسمی تنظیم شده باشد و یا بفرض بصورت تصدیق امضا از طرف دفاتر محاکم یا اسناد رسمی باشد و خواه چنین شخصی وکیل بمعنای قانون وکالت و یا هر فردی دارای اهلیت قانونی برای اعمال وکالت باشد .

علاوه بر مقررات ماده ۱۴ ، ماده ۱۱۸ آیین‌نامه ثبت احوال برای دخالت وکیل در امور سجلی اشخاص مجوز دیگری دارد و می‌گوید : «شناسنامه‌های تعویض شده و المثنی و رونوشت اسناد ، هر گونه تصدیقی که از روی مندرجات اسناد سجلی صادر می‌گردد و بصاحب آن یا وکیل ثابت الوکاله و در صورتی که سفیر یا مہجور باشد ، بولی یا قیم یا مادر یا سرپرست صاحب سند تسلیم و رسید اخذ می‌گردد.» لذا باید گفت که تحصیل شناسنامه یا رونوشت اسناد و یا تصدیقی که معمولاً قابل صدور و تسلیم به صاحب سند است ، می‌تواند بوسیله وکیل انجام یابد و در این قبیل موارد مسئله وکالت و دخالت وی منجز و روشن است . بدین ترتیب قسمت بزرگی از احتیاجات سجلی اشخاص (ثبت وقایع چهارگانه و تحصیل المثنی و تعویض شناسنامه و غیره) با وکالت‌نامه‌ای که صدورش از طرف صاحب سند مسلم شود ، انجام پذیر خواهد بود و برای قبول آن در مراجع ثبت احوال نه تنها اشکالی نیست ، بلکه قبول و اقدام بر آن الزام قانونی دارد .

با این حال احتیاجات افراد در امور سجلی محصور و مقید به موارد مذکور نیست. موارد دیگری هست که از آن جمله تنظیم اسناد سجلی و تحصیل شناسنامه افراد بزرگسال، یعنی هیجده سال بیالاست. و جنسیت، ذکور و اناث بودن آنها از لحاظ قانونی برای تحصیل شناسنامه آنان بوسیله وکیل با همدیگر متفاوت است و این تمایز از مقررات ماده ۸۳ آیین نامه ثبت احوال بوجه روشن و بصورت مفهوم مخالف و موافق بدست می آید؛ بدین شرح: «اشخاص ذکور که بسن ۱۸ سال تمام رسیده اند، بایستی شخصاً با دو نفر گواه به نمایندگی ثبت احوال مراجعه و شناسنامه دریافت نمایند». و این مقررات در فصل ششم که عنوان «در تنظیم اسناد سجلی» دارد، مندرج است. و نباید با تحصیل شناسنامه بصورت تعویض یا المثنی مشتبّه شود و اینجاست که تنظیم اسناد سجلی و تحصیل شناسنامه آنها از نظر قبول وکالت برای انجام تقاضایشان دو حالت متضاد پیدا می کند:

الف - شخص بدون شناسنامه مرد (مقصود جنس ذکور) است که هیجده سال تمام یا بیشتر دارد. در این صورت چنین فردی الزاماً باید شخصاً در تنظیم سند سجلی و تحصیل شناسنامه خود اقدام نماید و قبول وکالت بکلی مردود است و وکیل هم قانوناً ممنوع از مداخله می باشد. و فلسفه وضع این قاعده ناشی از حفظ مقررات قانون خدمت وظیفه است که متعاقب قانون چهاردهم خرداد ۱۳۰۴ قانون سجل احوال تصویب شده و با اصلاحات و تغییراتی که داشته، فعلاً نیز مورد عمل و اجرا می باشد و در واقع الزام بحضور شخص بدون شناسنامه و عدم قبول وکالت وی برای تعیین سن واقعی وی و جلوگیری از فرار مشمولین خدمت وظیفه است که باستناد ماده ۳۵ قانون ثبت احوال باید سند سجلی تنظیم شود.

ب - شخص بدون شناسنامه زن (مقصود جنس اناث) است که هیجده سال تمام یا بیشتر دارد. در این مورد شخص بی شناسنامه

می‌تواند با استفاده از مفهوم مخالف ماده ۸۳ مذکور که حضور شخص بیورقه را منحصر با افراد ذکور نموده و در واقع اشخاص اناث استثنا گردیده، بوسیله وکیل برای خودش شناسنامه بگیرد و برای قبول وکالت وکیل در این مورد هیچگونه اشکالی نیست.

امیدوارم آنچه مورد بحث و عنوان بود، خالی از فایده نباشد.

روزنامه اطلاعات

روزنامه (روزنامه) روزنامه اطلاعات

تقریباً ۱۰۰۰۰ نفر

۲

روزنامه اطلاعات



(۱) سال ۱۳۰۴، شماره ۲۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی